

تأثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری

سید محمد حسین قربی^۱

دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

چکیده:

در قوانین و احکام اسلامی، مخدوش کردن یا پایمال کردن حق افراد یا اجتماع یا حق الله، علاوه بر ناهنجاری‌ها و هرج و مرج‌های اجتماعی و نیز به تبع آن مجازاتی که برای مرتکب در پی دارد، آثار تکوینی‌ای نیز از جانب خداوند بر این‌گونه رفتارها مقدر شده است.

این تحقیق در پی آن است که اولاً جایگاه لقمه حرام و مبادی ورود آن را به زندگی تبیین کند؛ و ثانیاً تأثیراتی که لقمه حرام بر انحراف و بزهکاری اشخاص (و به‌طور ویژه کودکان) دارد را بررسی کند. روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. در این تحقیق پس از بررسی مفاهیم مورد تحقیق، به بررسی کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات و سپس به بررسی کلیات علل وقوع جرم و پیش‌گیری از آن پرداخته و سپس عوامل مؤثر بر شخصیت کودک و تأثیرات احتمالی لقمه حرام بر انحراف کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان با تأکید بر این نظریه که تأثیرگذاری لقمه حرام در توارث و یا تربیت افراد امری است کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری، اشاره شده که از دیدگاه اسلام لقمه حرام در انحراف و جرائم ارتكابی اشخاص، دارای تأثیرات غیرقابل انکاری است و برای کاهش آمار جرائم و انحرافات اجتماعی پیشنهادهایی مطرح شده است.

کلیدواژه: مال حرام، انحراف اجتماعی، بزهکاری، پیش‌گیری، توارث و تربیت.

مقدمه

تاریخ تمدن بشر گواه این است که انسان از آن زمان که مفاهیمی چون آزادی، حق، و مالکیت را به‌عنوان نشانه‌هایی از مدنیت پذیرفته، کوشیده است تا قوانین و احکامی وضع کند که از مخدوش شدن این نشانه‌ها توسط افراد جلوگیری نماید. روشن است که نبودن چنین قوانینی باعث گسترش هرج‌ومرج، ناهنجاری و افزایش جرائم اجتماعی خواهد شد. در جوامع دینی به‌ویژه جوامعی که دارای حاکمیتی دینی هستند، این حساسیت و وضع قوانین اهمیت دوچندان می‌یابد. اسلام نیز به‌عنوان دین پیامبر خاتم (ص) و اکمل ادیان آسمانی، از این قاعده مستثنا نیست. در اسلام این موضوع از چند جنبه اهمیت دارد:

نخست این‌که، اسلام علاوه بر محدودیت‌های عرفی و قانونی بین فردی، حدودی را نیز برای انسان قائل شده است که چه‌بسا چنین احکامی در عرف غیر اسلامی امری مهم تلقی نشوند؛ از جمله ربا، خرید و فروش اجناس دارای کاربرد صرفاً غیر حلال مانند قمار. دوم این‌که، در احکام جوامع اسلامی، علاوه بر این‌که برای تک‌تک افراد، در نسبت با یکدیگر حقوقی در نظر گرفته شده است، در رابطه هر فرد با خدا نیز احکام و قوانینی وجود دارد. از این‌رو هر فرد مسلمان وظیفه دارد که بخشی از درآمد حلال خود را - بر اساس یک الگوی مشخص - به‌عنوان حق خداوند، در راهی که خداوند فرموده است به مصرف برساند. برای نمونه تکالیفی چون خمس و زکات در شرایطی خاص بر مسلمانان واجب گردیده است.

سوم این‌که، در احکام و قوانین اسلامی علاوه بر این جنبه‌ها، جنبه دیگری نیز در نظر گرفته شده است؛ و آن این‌که مخدوش کردن یا پایمال کردن حق افراد، اجتماع، یا حق الله علاوه بر ناهنجاری‌ها و هرج‌ومرج‌های اجتماعی و نیز به‌تبع آن مجازاتی که برای مرتکب در پی دارد، آثار تکوینی‌ای نیز از جانب خداوند برای این‌گونه رفتارها مقدر شده

است. یکی از این آثار تکوینی، تأثیر کسب و معیشت حرام (لقمه حرام) بر گسترش و افزایش بزهکاری و جرم است. این در حالی است که امروزه در جوامع اسلامی که دارای حکومتی اسلامی است، دیده می‌شود که برخی از افراد درآمد خود را بدون توجه به منبع یا وسیله کسب آن به دست می‌آورند، بدون این‌که به عواقب این کار خود و ناهنجاری‌هایی که در جامعه ایجاد می‌کند، بیاندیشند. این تحقیق در پی آن است که جایگاه لقمه حرام و یکی از تأثیرات آن - که ایجاد زمینه برای انحراف کودکان و بزهکاری آنان در آینده است - را تبیین کند. به امید این‌که گامی در جهت ارائه راهکاری برای کاهش علل وقوع جرم برداشته باشیم. متأسفانه جامعه‌شناسان، روانشناسان و جرم‌شناسان مسلمان، به تأثیرات معیشت حرام در وقوع جرم کم توجهی می‌کنند. افزون بر این، به نظر می‌رسد وقتی انسان میان زندگی حلال و حرام تفاوتی قائل نشد و حدود الهی را درنوردید، نادیده گرفتن حریم‌های انسانی و اجتماعی نیز برایش آسان‌تر خواهد شد. بر اساس دیدگاه‌های تربیتی معاصر، انسان محصول سرشت و تربیت است که تأثیر آن‌ها به صورت متقابل است. در این راستا دکتر الکسیس کارل دانشمند نسج‌شناسی و جنین‌شناسی می‌گوید: «سهم توارث و تربیت بر حسب افراد مختلف فرق می‌کند و اغلب نمی‌توانیم ارزش حقیقی هر یک از این دو عامل را تعیین کنیم» (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۱). بنابراین تأثیرگذاری لقمه حرام در توارث و یا تربیت افراد (که امری کیفی است) قابل‌اندازه‌گیری و بررسی در آزمایشگاه‌ها نیست؛ زیرا بررسی و اندازه‌گیری مربوط به امور کمی است. از دیدگاه اسلام، اجتناب نکردن از مال حرام اثرات سوئی بر جان و دل آدمی و خانواده او می‌گذارد و بسیاری از گناهان ریشه در آلودگی روح آدمی دارد.^۱ امروزه این فرضیه مطرح است که آیا بشر می‌تواند با نوع غذا، فرزندانش را با ایمان پرورش دهد یا خیر؟ در اسلام این موضوع ۱۴۰۰ سال پیش به اثبات رسیده است که

۱- ساحت‌های غیرعقیدتی مثل لقمه حرام بر ساحت عقیدتی تأثیر دارند.

انسان می‌تواند با انتخاب غذای حلال و منزه، ویژگی‌های شخصیتی دلخواه را در فرزندان خود ایجاد کند. به‌عنوان مثال امام علی (ع) می‌فرماید: به زن باردار در ماهی که در آن وضع حمل می‌کند، خرما بخورانید؛ زیرا فرزند او بردبار و پرهیزگار خواهد شد (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۶۳: ۱۴۱). هرچند از دید ظاهری فرقی بین غذای حلال و حرام نیست، اما پرسش این است که آیا این بردباری و پرهیزگاری ناشی از خرمایی است که حلال باشد یا با خوراندن خرمایی حرام هم، همین بردباری و پرهیزکاری در فرزند ایجاد می‌شود؟ هم‌چنین آیا غذای حرام بر انحراف کودک مؤثر است؟

در این مقاله پس از بررسی مفاهیم مورد تحقیق، به بررسی کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات و سپس بررسی کلیات علل وقوع جرم و پیش‌گیری از آن پرداخته و عوامل مؤثر بر شخصیت کودک و تأثیرات لقمه حرام بر انحراف کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیات و مفاهیم

معاش در فرهنگ عمید این‌چنین تعریف شده است: آنچه به‌وسیله آن زندگی می‌کنند، از خوردنی‌ها و نوشیدن (فرهنگ لغت عمید). هم‌چنین در تعریف حلال گفته‌اند: حلال، آنچه خوردن، نوشیدن و یا انجام دادن آن به‌حکم شرع روا باشد؛ روا یعنی جایز (فرهنگ لغت عمید)، اما حرام بر طبق آنچه در فرهنگ دهخدا تعریف می‌شود، به معنای ممنوع می‌باشد (فرهنگ لغت دهخدا). که در فرهنگ عمید آمده که امری است که به‌جا آوردنش گناه است؛ آنچه خوردنش در اسلام منع شده است. اما اگر بین حلال یا حرام بودن مالی شک وجود داشته باشد به آن «شبه‌ناک» می‌گویند؛ یعنی، آنچه مورد شک و تردید است. لقمه‌ای که حلال و حرام بودن آن مجهول باشد (فرهنگ لغت دهخدا).

در تعریف پیش‌گیری آمده: بررسی، شناخت و ارزیابی خطر وقوع جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن (کیوانی، ۱۳۸۸: ۴). پیش‌گیری از جرم معادل واژگان «Prevention» در انگلیسی و «وقایه» در عربی است.

واژه انحراف^۱: در لغت به معنای عملی که به‌دوراز هنجارها می‌باشد، است. انحراف اجتماعی از جمله مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. انحراف اصولاً از حقوق کیفری خارج است. زیرا دارای وصف مجرمانه نیست اما از آنجاکه می‌تواند زمینه‌ای برای رفتار مجرمانه باشد، امروزه مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶). انحراف، صفت منسوب به برخی رفتارها یا اشخاص، نظیر بزهکاری یا بیماران روانی است. این موضوع از آراء متقدم آسیب‌شناسی اجتماعی اخذ شده است (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳). مال حرام و تغذیه حرام، در روایات فراوانی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است و واژگان مختلفی درباره آن به کار رفته است: مال حرام، لقمه حرام، کسب حرام، شهوت البطن، سحت و دستیابی به مال حرام (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۶). علمای اخلاق مال را به سه گونه تقسیم می‌کنند: ۱- حلال واضح و معلوم ۲- حرام واضح و معلوم ۳- شبهه‌ناک.

۱- حلال مالی است که از راه‌های مشروع و در چهارچوب قوانین شرع به دست آمده باشد و حق الناسی در آن نباشد. مال حلال، درآمد مشروعی است که حقوق خدا که در آن مال است پرداخته شده باشد؛ مانند خمس و زکات.

۲- اموال حرام از سه قسم بیرون نیست: (۱) ذات آن حرام است مثل خوک و خون (۲) به جهت صفتی که بر آن عارض شده حرام است مثل طعمی که به زهر یا خون مخلوط شده (۳) به جهت نقص و خللی که در گرفتن و دادن مال به هم رسیده است

حرام است. مثل اموالی که به ظلم و عدوان و غضب و دزدی و خیانت در امانت و ... به دست آمده است.

۳- درباره مال شبهه‌ناک به سخنی از امام علی (ع) در تعریف شبهه اکتفا می‌کنیم: امام علی (ع) می‌فرماید: شبهه را برای این شبهه نامیده‌اند که به حق شباهت دارد، اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنان در مسیر الهی است. اما دشمنان خدا دعوت‌کننده‌شان در شبهات، گمراهی است و راهنمای آنان کوری است (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۶۳).

کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات

یکی از مسائلی که امروز همه مردم با آن درگیری دارند مسئله اقتصاد است. اقتصاد در اسلام تعریف شده است و روزی هرکس به وسیله اقتصاد و شغل حلال تأمین می‌شود. طلب روزی حلال مهم‌ترین جنبه زندگی اقتصادی یک مسلمان است، زیرا در غیر این صورت، تمامی اعمال دیگر او در وجه اقتصادی‌اش زیر سؤال می‌رود. در روایتی از رسول خدا آمده است: در روز قیامت، اقوامی با داشتن حسنات بسیار، به اندازه کوه‌های مکه، می‌آیند و امر می‌شود که به آتش افکنده شوند. برخی عرض کردند: یا نبیّ الله! آیا این افراد نمازگزار بودند؟ حضرت می‌فرماید: آری، نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاره‌ای از شب را به عبادت مشغول بودند؛ لکن هرگاه بر اینان چیزی از دنیا پیدا می‌شد، خود را بر آن می‌افکندند!! (حلی، ۱۳۷۵: ۳۱۴). در آیات قرآن کریم به ضرورت کسب روزی حلال و هم‌بستگی لقمه حلال با کردار نیک اشارات فراوانی شده است. خداوند در قرآن و در سوره مؤمنون آیه ۵۱ می‌فرماید: «ای رسولان ما! از روزی پاک و حلال بخورید و کار شایسته انجام دهید که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم»^۱.

۱. تمامی آیات از ترجمه قرآن کریم استاد مهدی فولادوند ترجمه شده است.

در تفسیر این آیه آورده شده: نباید دو اصل مهم را فراموش کرد: ۱. حلال بودن ۲. طیب و پاکیزه بودن. یعنی توفیق عمل صالح در سایه تغذیه حلال و طیب است (قرائتی، ۱۳۸۸، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). پیامبر اکرم (ص) در ذیل این آیه فرمودند: حضرت عیسی از دستمزد نخریسی مادرش تغذیه می‌کرد (سیوطی، ۱۳۶۵ ه. ق، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). در حدیث می‌خوانیم کسی که یک لقمه مال حرام خورده باشد، خداوند عبادت او را نمی‌پذیرد (مراغی، ۱۳۶۵ ه. ق، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). بنابراین لازمه توفیق عمل صالح تغذیه حلال است.

هم‌چنین آیه ۶۴ سوره اسراء بیان می‌دارد: «و (ای شیطان) هرکس را می‌توانی از طریق صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده‌ات را بر ضد آنان گسیل دار و در اموال و فرزندان آنان شریک شو و به آنان وعده بده؛ و شیطان جز فریب وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد». در روایات می‌خوانیم که از موارد شریک شدن شیطان، لقمه حرام، زنا و به وجود آوردن نسلی فاسد و منحرف است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰۱: ۱۳۶). شرکت ابلیس در مال و فرزندان انسان از آغاز آن شروع می‌شود و تا لقمه مشتبه و حرام و زنا ادامه می‌یابد. در آیه ۲۹ سوره نساء، خداوند متعال چنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید، مگر آن‌که دادوستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید، زیرا خداوند همواره با شما مهربان است». امام باقر (ع) در ذیل این آیه فرمود: ربا، قمار، کم‌فروشی و ظلم از مصادیق باطل است (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ ه. ق، ذیل آیه ۲۹ نساء). تفسیر نمونه در ذیل این آیه آورده است که: در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم (ناروا نخوردن اموال دیگران و خودکشی) به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده است و آن اینکه اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به‌صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به‌ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و

انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.

در آیه ۱۸۸ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «و اموال را میان خودتان به ناروا نخورید و به‌عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید درحالی که خودتان هم خوب می‌دانید». رسول اکرم (ص) خطاب به علی ابن ابی‌طالب فرمود: یا علی! درآمد حاصل از فروش مردار، سگ، شراب، زنا و رشوه یکسان و حرام است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۷۷: ۵۴). در تفسیر نمونه آورده شده که: جالب این است که قرار گرفتن این آیه بعد از آیات روزه (۱۸۲ تا ۱۸۷) نشانه یک نوع هم‌بستگی در میان این دو است. در آنجا نهی از خوردن و آشامیدن به خاطر انجام یک عبادت الهی می‌کند و در اینجا نهی از خوردن اموال مردم به‌ناحق و درواقع هر دوشاخه‌ای از تقوا محسوب می‌شود. در آیه ۴۲ سوره مائده آمده: «پذیرا و شنوای دروغ هستند و بسیار مال حرام می‌خورند». در تفسیر نمونه آمده است؛ قرآن کریم در این آیه یهودیان کارشکن را به «آکالون السُّحت»، یعنی بسیار حرام‌خوار یاد کرده است و این تعبیر هشدار می‌دهد که بسیار عمیق برای آنان که غذای حرام می‌خورند، چنین کسانی همانند یهودیان، کارشکنی می‌کنند. در مفردات راغب در ذیل کلمه «سحت» آمده که، کار حرامی است که مایه ننگ صاحبش شود.

در آیات قرآن کریم به‌ضرورت احتراز از مال حرام و لزوم کسب مال حلال اشاره شد. در روایات اسلامی ما هم به لزوم دوری از مال حرام اشاره شده است. محمد ابن سنان در نامه‌ای به حضرت امام رضا (ع) نوشت و در آن نامه پرسش کرده بود در این باره که بعضی از مسلمین گمان می‌کنند که حلال و حرام در اسلام علتی جز تعبد ندارد. حضرت در جواب نوشت: کسی که چنین تصور کند سخت به گمراهی و ضلالت افتاده است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۸). رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بیمناک‌ترین چیزی

که بر امت خود از آن می‌ترسم این درآمدهای حرام است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۴). و همچنین ایشان درباره این که خوردن معاش شبهه‌ناک مقدمه‌ای برای ورود لقمه حرام به زندگی است می‌فرمایند: «هر که در چیزهای شبهه‌ناک افتد (ناخواسته)، در حرام خواهد افتاد، همانند چوپانی که در اطراف قرق، گوسفند می‌چراند (که) بیم می‌رود که در قرق افتد. بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در زمین محرمات اوست» (نوری، ۱۴۰۸. ق، ج ۱۷: ۳۲۳).

از موضوع اموال و درآمدهای حرام به اختصار به موارد ذیل می‌پردازیم. ابتدا بررسی این موارد بسیار مهم سبب مشخص شدن مبادی ورود لقمه حرام به زندگی می‌شود:

۱- استفاده سوء از بیت‌المال:

از موارد روشن لقمه حرام و البته سخت‌تر از موارد دیگر، رعایت نکردن اموال عمومی و بیت‌المال است. امام علی (ع) در نامه‌ای به کارگزاران حکومت خویش فرمود: نوک قلم‌های خویش را تیز کنید، میان سطرهای نوشته زیاد فاصله نیندازید، حرف‌های زیادی را حذف کنید و روی کاغذ نیاورید، به اصل معنا پردازید، از زیاده‌روی در مصرف پرهیز کنید، زیرا بیت‌المال تحمل این‌گونه ضررها را ندارد. از نمونه‌های تصرف در بیت‌المال که حرام است می‌شود به این موارد اشاره کرد: خراب کردن میز مدرسه و دانشگاه؛ دست‌کاری کنتورها؛ سد معبر؛ نوشتن یادگاری روی درودیوار و پارک‌ها ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۳) یا کم‌کاری کارمندان دولتی، اینکه در آمارها اعلام می‌شود میزان کار مفید روزانه کارمندان دولتی از هشت ساعت کار کردن در روز، ۴۰ دقیقه است! در قوانین موضوعه هم به برخی مصادیق تعدی نسبت به بیت‌المال اشاره و ضمانت اجرا مشخص شده است. مانند فصل سیزدهم کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعذبات مأموران دولتی نسبت به دولت). هم‌چنین ماده ۸۴ و ۸۵ و تبصره ۲ ماده

۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲. یا ماده ۳۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰.

۲- سرقت:

در سوره مائده آیه ۳۸ حکم سرقت حدی مشخص شده است. در مواد ۲۶۷ تا ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فصل بیست و یکم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ هم به بیان احکام انواع سرقت و مجازات آن‌ها پرداخته شده است.

۳- غصب:

از نمونه‌های غصب: کپی گرفتن از یک کتاب بدون رضایت صاحبش؛ نشستن در رستوران بدون خوردن غذا؛ زیوررو کردن میوه‌های میوه‌فروش بدون اذن او؛ تصرف در مال مشترک بدون رضایت شریک؛ نشستن روی کاپوت ماشین دیگر بدون اجازه صاحب ماشین (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۶). یا مثلاً اگر در تحقیق از منبعی استفاده شده باشد و ذکری از نام آن منبع به میان نیامده باشد (در تمام طول تحقیق باید به جد مراقب بود که خود پژوهش گرفتار این آسیب نشود).

۴- خوردن حق یتیم:

در آیات ۲ و ۱۰ سوره نساء، به دادن حق ایتام به خودشان و این که حق یتیم را خوردن گناهی بس بزرگ است و آتش شعله‌وری را در باطن فرد روشن می‌کند و در قیامت با آتش شعله‌ور خواهد شد اشاره می‌کند. از نمونه‌های خوردن حق یتیم: خوردن چای و غذای میتی که دارای کودکان صغیر می‌باشد؛ عوض کردن اموال پاکیزه آنان با اموال ناپاک خود؛ برداشتن بیشتر از حد معمول به‌عنوان حق‌الزحمه وصی و ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۷)

۵- نپرداختن قرض:

نپرداختن بدهی حرام است و تصرف در آن مال بدون رضایت صاحبش از جلوه‌های مال حرام و لقمه حرام است. کسی که قرض نماید ولی قصدش پرداختن نباشد، همانند کسی است که چیزی را دزدیده است (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ه. ق: ۲۶۸).

۶- خیانت در امانت:

خدای متعال در آیات ۶۰ سوره انفال و ۲۸۳ بقره و ۱۶۱ و ۱۶۲ آل عمران، به روشنی به خیانت‌کاران وعده آتش می‌دهد و آنان را با تهدید شدید از این عمل زشت باز می‌دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر قاتل علی (ع) مرا امین قرار دهد و چیزی به من بسپارد، امانتش را به او بر می‌گردانم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۱۳۳). در فصل بیست و چهارم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ هم خیانت در امانت جرم‌انگاری شده است.

۷- رشوه:

آیات ۱۸۸ بقره و ۹ و ۶۱ نسا و ۴۲ مائده درباره حرمت رشوه در قرآن کریم آمده است. اسم و واژه‌هایی مثل هدیه، ماهیت رشوه را عوض نمی‌کند. از نمونه‌های رشوه؛ پولی که برخی از مأموران راهور می‌گیرند تا جریمه ننویسند یا در آن تخفیف دهند؛ هدایایی که به مسئولی داده می‌شود تا نوبت انسان را جلو بیندازد و ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۸). در قوانین موضوعه در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ و فصل یازدهم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به موضوع رشوه پرداخته است.

۸- قمار:

در سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱ به حرمت و خباثت قمار اشاره شده است. قمار و ساخت آلات قمار و بیع و شرای آلات قمار حرام است. در مواد ۷۰۵ تا ۷۱۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، به موضوع قماربازی پرداخته شده است.

۹- شراب:

در سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱ درباره حرمت شراب هم خداوند همانند قمار و ازلام و بت‌ها به دوری از آن‌ها دستور داده است. حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: چهار چیز است که هرکدام در خانه‌ای رخنه کرد، ویرانش کند و به برکت آباد نگردد: خیانت، دزدی، می‌خواری و زنا (الصدوق، ۱۳۴۹: ۳۹۸). قانون‌گذار از ماده ۷۰۱ تا ۷۰۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به موضوع مشروبات الکلی پرداخته است. هم‌چنین در مواد ۲۶۴ تا ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۱۰. ربا

در قرآن کریم آیات ۱۳۰ و ۱۳۲ و ۱۳۳ سوره آل‌عمران و ۲۷۵ و ۲۷۹ سوره بقره به نکوهش ربا پرداخته و خداوند آن را آتش، دیوانگی و محاربه در مقابل خدا و رسول او می‌داند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: یک‌درهم ربا از سی بار زنا با محارم نزدیک مثل خاله و عمه بدتر است (الصدوق، ۱۳۶۷، ج ۳: ص ۲۷۴). در ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، ربا جرم انگاری شده است.

۱۱- غش در معامله:

حرام است غش در معامله؛ یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگری مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است (امام خمینی ره، ۱۳۶۷: ۲۷۴).

۱۲- کم‌فروشی:

تصریح و تشدید خداوند درباره کم‌فروشی را می‌شود از این‌که در قرآن کریم یک سوره به اسم کم‌فروشان است استنباط کرد. رسول خدا (ص) فرمود: «هرکس در کیل و وزن خیانت کند، روز قیامت او را به قعر دوزخ می‌اندازند و در میان دو کوه آتش جایش

تأثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری ۶۷

می‌دهند و به او می‌گویند کوه‌ها را وزن کن، و او پیوسته به این کار مشغول است» (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۸۳-۳۸۴؛ قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). در ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ و ماده ۵۸ قانون نظام صنفی کشور ۱۳۸۲ به کم‌فروشی اشاره شده است.

۱۳- احتکار:

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هرکس به‌عنوانی سبب گرانی در بازار مسلمانان گردد، بر خداوند لازم است او را در بزرگ‌ترین جایگاه جهنم سرنگون کند» (الحاکم النیشابوری، ۱۴۱۱ه. ق، ج ۲: ۱۲). ماده ۴ تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور ۱۳۸۲ به موضوع احتکار پرداخته است.

۱۴- گران‌فروشی:

امام صادق (ع) درباره سود حاصل از گران‌فروشی به غلام خود فرمودند: «ما نیازی به این نوع پول‌ها نداریم و فرمود: ای مصادف، شمشیر زدن در راه خدا، از کسب روزی حلال، آسان‌تر است» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۵: ۵۹). درباره گران‌فروشی ماده ۵۷ قانون نظام صنفی کشور به آن پرداخته است.

وقتی مسلمان درآمدی حلال کسب می‌کند، اسلام درآمد مسلمان را تقسیم می‌کند و بخشی از آن را برای خدمت به محرومان و مستضعفان جامعه اختصاص می‌دهد و اگر بنده مسلمان به این توصیه بی‌توجهی کند، مال حلال او حرام می‌شود. مثل ثروتی که زکات یا خمس آن پرداخت نشده است.

۱۵- خمس ندادن:

پرداخت خمس، سبب پاک شدن مال می‌شود و مال پاک مقدمه برای نسل پاک است (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۵۴۷). امام خمینی (ره) فرموده: «هرکس درهمی از

خمس را نپردازد، جزء ستمگران بر اهل بیت عصمت (ع) است و از کسانی است که حق آن بزرگواران را غصب کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۳۴). واژه زکات هم ۳۲ بار در قرآن کریم آمده است و بسیار مؤکد است. نپرداختن زکات یعنی تصرف ناروا و حرام در حق فقیران.

حال اگر مسلمان، مالی حلال به دست آورد و خمس و زکات آن را هم داد، در مصرف مال هم باید رعایت حلال و حرام را بکند. جالب است که حلال و حرام را هم در تولید مال و هم در مصرف مال با واژه‌هایی نظیر اسراف و تبذیر داریم.

علل وقوع جرم

در یک بیان مقایسه‌ای می‌توان جرم و جنایت را با بهداشت جامعه مقایسه کرد. زمانی که ما در کوچه و خیابان و منزل، وجود حیوانات مودی، سگ و گربه و موش و حشرات را زیاد می‌بینیم، متوجه می‌شویم بهداشت محیط رعایت نشده و محیط مساعد برای رشد و تغذیه حیوانات و حشرات مودی است. در صورتی که حیواناتی مثل موش‌ها، بزرگ و جثه‌ای عظیم‌تر از حد معمول داشته باشند یا حشرات مودی خیلی زیاد باشد، پی می‌بریم که در چنین جامعه‌ای مدت‌هاست که به مسائل بهداشتی بی‌توجهی شده است. در جوامع انسانی نظیر جامعه ما نیز، زمانی که آمار جرم و جنایت افزایش می‌یابد، باید دید علت این افزایش چیست. این افزایش آمار، نکته‌ای را بیان می‌کند و آن این است که: توجه به مسائل تربیتی کم شده است. در صورتی که این کم‌توجهی و یا بی‌توجهی مدتی ادامه داشته باشد، در آن صورت باید منتظر باندهای جنایت‌کاری باشیم که در ارتکاب جرم، راه‌ها و روش‌هایی انتخاب کنند که از شناسایی در امان بمانند و هم خوف عمل آن‌ها برای جامعه زیاد و سنگین باشد. در پیش گرفتن روش‌های نادرست تربیتی، اثری کم‌تر از بی‌توجهی به مسائل تربیتی ندارد. تقلیل جرائم در هر جامعه در گرو شناخت عوامل مؤثر در بروز جرائم مربوط به آن جامعه و دست یافتن

به راه حل صحیح مبارزه با عوامل فساد و ریشه کن کردن آن‌هاست. بدون شناخت این عوامل نمی‌توان برنامه صحیحی برای سالم‌سازی یا نوسازی اجتماعی ترسیم یا اجرا نمود (قربان نیا، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

جرم یک پدیده اجتماعی است که عوامل و وقایع اجتماعی متعددی در بروز آن ایفای نقش می‌کند. مجرم محصول علل فردی (بیماری‌های ژنتیکی، روانی، اجتماعی، وضعیت جسمانی مغز و غدد درون‌ریز داخلی و ...) و علل اجتماعی (طلاق، فقر، ثروت، بی‌سوادی، بیکاری، جمعیت، فرهنگ، مهاجرت، روابط ناپه‌نجان خانوادگی، فقر فرهنگی و ...) است. از این رو گفته شده که کافی است با مبارزه با چنین عللی و رفع آن‌ها، از ارتکاب جرم به‌عنوان معلول، پیش‌گیری کرد. در مقالات و کتاب‌های بسیاری به عوامل گوناگونی در باب وقوع انحراف و جرم اشاره شده است اما در هیچ‌یک به مسئله تأثیر لقمه حلال و حرام به‌عنوان زمینه و درآمدی بر وقوع یا پیش‌گیری از وقوع جرم که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد اشاره نشده است.

موضوع دیگری که باید مطرح شود این است که مسئله بزهکاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه آینده است. همزمان با توسعه انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی به‌صورت عادی و مشروع، موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصبان، دزدی و مانند آن‌ها در اطفال و نوجوانان شده است. اما از قرن نوزدهم به بعد، افزایش بزهکاری نوجوانان و جوانان به‌ویژه ارتکاب جرائم توأم با خشونت و قساوت، یکی از بزرگ‌ترین معضلات اجتماعی محسوب شده و افکار عمومی جهان را نیز نگران نموده است. در همین ارتباط، گزارش‌های سازمان ملل در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که همواره بر میزان جرائم در

سطح جهان افزوده شده و روند افزایش بزهکاری بیش از میزان رشد جمعیت است. از این رو، یکی از مسائل پیچیده و درعین حال مهمی که بسیاری از جوامع را تهدید می‌کند و توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جرم‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی را به خود معطوف داشته، بزهکاری، به‌ویژه در نوجوانان و جوانان می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۰: ۴۳). مطالعات کشورهای غربی حاکی از آن است که تجربه رفتارهای بزهکارانه در میان نوجوانان بسیار شایع می‌باشد. برخی ادعا کرده‌اند ۹۰ درصد نوجوانان مرتکب اعمالی شده‌اند که چنانچه به مداخله پلیس می‌انجامد موجب بازداشت آنان می‌گردد. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که شیوع رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان بیش از آن است که مردم انتظار دارند (عبقری، ۱۳۸۰). امروزه نوجوانان کشور ما هم با این گونه مسائل مواجه‌اند و آثار مهلک آن‌ها در سیمای جامعه ما آشکار است.

پیش‌گیری

پیش‌گیری را این‌گونه تعریف می‌کنند که بررسی، شناخت و ارزیابی خطر وقوع جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن (کیوانی، ۱۳۸۸: ۵). پیش‌گیری اجتماعی، یعنی ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی که منجر به اصلاح جامعه و فرد و جلوگیری از جرم به‌صورت پایدار و همیشگی است. پیش‌گیری بسته به نوعش در مکان-های مختلف اجرا می‌شود: خانه، مدرسه، پلیس و برخلاف بحث سرکوبی، پیش‌گیری، تنها در حیطه صلاحیت حاکمیت باقی نمی‌ماند و قابل تفویض به بخش خصوصی است. به چند دلیل بحث پیش‌گیری اهمیت دارد:

۱- یکی از بندهای مهم اصل ۱۵۶ قانون اساسی به این امر اختصاص دارد: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است»: بند پنجم؛ «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۲- بالا بودن نرخ بزهکاری علی‌رغم اجرای شدید مجازات در سطح دادگاه‌ها

۳- کمبود فضای زندان و هزینه‌های بالای مادی و معنوی آن به خاطر بالا بودن

نرخ بزهکاری

۴- قهرآمیز بودن طبع دادگاه‌های کیفری؛ سرکوبگری، شأن حقوق کیفری و امری

بسیار پرهزینه است. نیروهای پیرا قضایی مانند کارشناسان و وکلا و ... هم هزینه برند.

این هزینه‌ها از محل جیب مردم است، مانند مالیات‌ها (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

رییس مجلس شورای اسلامی در همایش ملی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با

فساد که در سال ۱۳۹۳ برگزار شد به موضوعی بسیار مهمی اشاره کرد و گفت: «در

کشورهای موفق در زمینه مبارزه با فساد توان ویژه‌ای برای پیش‌گیری گذاشته‌شده اما

ما در کشور آنچه در گزارش‌ها داریم حدود سالی ۷ تا ۸ میلیون پرونده در دستگاه قضا

با ۷۵ تا ۷۶ میلیون نفر جمعیت داریم؛ درحالی‌که در کشوری مثل ژاپن با توجه به

پیش‌گیری در دوران مدرسه و آموزش‌های ابتدایی و جمعیت حدود ۱۲۰ میلیون نفر،

این پرونده‌ها سالی ۲۰۰ هزار مورد است». رییس قوه مقننه بابیان اینکه موضوع پیش-

گیری یک موضوع فرا قوه‌ای است گفت: «در قانون اساسی پیش‌گیری از جرم جزء

وظایف قوه قضاییه است که باید آن را با همکاری سایر بخش‌ها انجام دهیم اما این

سؤال مطرح است که پس چرا این بخش سامان پیدا نمی‌کند که پاسخ روشن است،

چون هر قوه‌ای این موضوع را منحصر به خود می‌داند و چون در ساختار قانون اساسی

آمده است که ۳ قوه مستقل هستند یک توجه فراگیر به این موضوع نمی‌شود و باید

توجه کرد مسئله فساد و جرم در کشور ریشه در مسائل فرهنگی و آموزشی دارد»

(tabnak. ir).

در جمهوری اسلامی در واقع در عمل، روش مبارزه به سرکوبی منحصر شده است.

در کشور ما نیز اگرچه آمار دقیقی در این خصوص وجود ندارد اما از آمارهایی که به-

صورت پراکنده، توسط برخی از سازمان‌های تابعه قوه قضاییه منتشر می‌شود می‌توان به‌طور کلی وجود نوعی وضعیت هشداردهنده را تصدیق کرد. به‌عنوان نمونه، هر سال ششصد هزار نفر وارد زندان می‌شوند و این ورود سالانه همین تعداد خانواده را بی‌حمایت و آسیب‌پذیر می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۹-۳۰). باید توجه داشت که درزمینهٔ بزهکاری اطفال، حتی همین آمار را هم نداریم. قانون مجازات به قبل از وقوع جرم، کاری ندارد و انگار می‌گوید اگر به‌عنوان مثال کودکی جرمی انجام دهد، او را از طریق مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اصلاح می‌کنم!

بر اساس انواع مرتکبین جرم، مدل‌های پیش‌گیری متناسبی ارائه شده است؛ مثلاً بر اساس این فرض که جرم توسط بیماران اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود، مدل پیش‌گیری از جرم و جنایت اجتماعی بر روی گسترش برنامه‌ها و سیاست‌هایی مبتنی بر بهبود بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش و پرورش، مسکن، فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های محله‌ای برای مجرمین بالقوه تمرکز می‌کند (Rosenbaum, et al, 1998). یا می‌توان به اقداماتی که در مکتب شیکاگو^۱ پیشنهاد شده است اشاره کرد. در بعضی دیگر از برنامه‌ها، تمرکز برنامه‌های پیش‌گیری از جرم بر روی تغییر شرایط اجتماعی پیشینی در رابطه با کودکان و نوجوانان واقع شده است. مانند بازدید کردن پرستار از خانواده‌های در معرض خطری که نوزادانی دارند، یا خانواده‌های تک‌والدینی، یا فراهم کردن برنامه‌های مفرح، و تمرکز بر آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس. این برنامه‌ها مشخص کرده است که لااقل اندکی از شمار جرائم کاسته شده است

(international Centre for prevention of crime)

۱- سرمایه اجتماعی، تعلق خاطر به محل زندگی و روابط با دیگران از عوامل بازدارنده ارتکاب جرم هستند. برای اطلاعات بیشتر ر. ک، ویلیامز، فرانکی؛ مک‌شین، ماری لیندی (۱۳۹۱)، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نظریه‌های جرم‌شناسی، تهران: نشر میزان.

از میان انواع پیش‌گیری، پیش‌گیری اجتماعی، یک پیش‌گیری کنشی فردمدار است. بدین‌صورت که با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی، درصدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است. پیش‌گیری اجتماعی رشدمدار که به آن پیش‌گیری زودهنگام نیز گفته می‌شود، به دنبال آن است تا با به‌کارگیری اقدامات مناسب روان‌شناختی- اجتماعی از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۸۶ و ۱۸۷). بنابراین منطق که تقلیل جرائم در هر جامعه درگرو شناخت عوامل مؤثر در بروز جرائم مربوط به آن جامعه و دست یافتن به راه‌حل صحیح مبارزه با عوامل فساد و ریشه‌کن کردن آن‌هاست، اگر بزهکاری و جرم و جنایت را به- عنوان معلول در جامعه خود قبول کنیم، ریشه و علت اصلی ارتکاب جرم و جنایت، علتی فرهنگی است. در این زمینه آگاهی‌رسانی به والدین از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی برای کاهش وقوع جرائم است. در اجرای چنین رویکردی است که راهبرد پیش‌گیری اجتماعی مشروعیت علمی- کاربردی خورد را پیدا می‌کند. این‌گونه پیش‌گیری، آموزش و پرورش محور است.

عوامل مؤثر در ساخت شخصیت کودک

عوامل بسیاری در تکوین شخصیت کودک دارند. در این مقاله به سه عامل مهم به‌طور خلاصه می‌پردازیم تا به نقش مهم تغذیه در شکل‌گیری شخصیت کودک بپردازیم.

۱- وراثت:

هم چنان‌که می‌دانیم بسیاری از صفات ظاهری انسان‌ها، به‌واسطه وراثت به فرزندان و نسل‌های بعد منتقل می‌شود. فرزند یک انسان آفریقایی در سیاهی پوست و پیچیدگی مو و ساختمان بینی و رنگ چشم مانند پدر و مادر است؛ هم چنان‌که فرزند

یک اروپایی. از مضمون احادیث استنباط می‌شود که علاوه بر صفات طبیعی و ظاهری، سجایای اخلاقی والدین نیز زمینه‌هایی را در فرزندان ایجاد می‌کند. مثلاً در جنگ جمل محمد حنفیه علمدار لشکر بود و چند بار حمله کرد اما ضربات دشمن مانع پیش‌روی او شد. حضرت علی (ع) به او فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای» (قمی، ۱۳۸۷: ۱۷). طبق این روایت شرایط مادر و رحم مادر، علت عمده زمینه‌ها و ویژگی‌های ظاهری و معنوی برای فرد است. دانشمندان امروزه متوجه شده‌اند موجودات بسیار کوچکی در کروموزوم‌هاست که عامل وراثت است و نامش را ژن گذاردند. کروموزوم‌های آدمی بیش‌ترین تعداد ژن‌ها یعنی ۲۹۶۸ ژن را دارا می‌باشند. و این مطلبی است که در احادیث نیز به نحوی مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً مردی از انصار خدمت رسول اکرم (ص) آمد و گفت: زن من، که دخترعموی من است، فردی عقیف می‌باشد، اما برای من بچه‌ای سیاه چهره، با موهای پیچیده و بینی پهن (شبهه افراد حبشی) به دنیا آورده است و در خانواده و اجدادمان شخصی با چنین اوصافی وجود ندارد. رسول اکرم (ص) از زن سؤال کرد و او قسم یاد کرد که جز با همسرش با هیچ‌کس نیامیخته است. حضرت فرمود: هر انسانی ۹۹ عرق دارد که وقتی نطفه در رحم قرار می‌گیرد عرق‌ها به جنب‌وجوش می‌افتند و فرزند شبیه یکی از آن‌ها می‌شود.

رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) کلمه «عرق» را معرف عامل وراثت قرار داده‌اند و عدد عرق‌ها را ۹۹ گفته که البته شاید فقط بیان کثرت منظور ایشان بوده است. رسول اکرم (ص) فرمودند: «انظر فی ای شیء (نصاب) تضع ولدک فان العرق دساس»؛ المنجد در لغت (دس) می‌گوید: العرق دساس ای أن اخلاق الابهاء تتصل الی الابناء؛ بنگر که نطفه- ات را در چه ظرفی قرار می‌دهی، رگ و ریشه ادامه پیدا می‌کند. دقت کن که نطفه خود را در کجا مستقر می‌کنی زیرا خصوصیات اجداد به فرزندان منتقل می‌شود. در این حدیث در کمال صراحت از قانون وراثت سخن گفته شده است (پاینده، ۱۳۳۷، حدیث ۵۶۴).

دانش امروز در بعضی زمینه‌ها توانسته تأثیر وراثت بر ویژگی‌های معنوی و اخلاقی را از نظر علمی اثبات کند (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۲). یکی از آثار خوردن لقمه حرام که با همین وراثت به نسل بعدی منتقل می‌شود ظهور و بروز آثار وضعی آن در نسل آینده انسان است. حضرت امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریه»؛ آثار درآمد حرام در نسل بعد آشکار می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۱۲۵؛ حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ص ۸۲؛ ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۷۰۱). اگر همه عوامل و صفات موجد و مؤثر در تکوین فرزند، خوب و پسندیده و مفید و سودمند باشد، بچه در شکم مادر خوشبخت و سعادتمند است و اگر همه یا بعضی بد و پلید باشد به همان نسبت بچه در شکم مادر شقی و بدبخت ساخته شده است (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۴).

۲- خانواده:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. مسئله تربیت کودک از سوی معصومین ما مورد اهتمام و توجه ویژه بوده است و اولین کسانی که در این زمینه این مسئولیت بزرگ به شانه آن‌ها نهاده شده است والدین هستند. در گام نخست خانواده‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت فرزندان خود دارند. محیط خانوادگی نامناسب مانع رشد شخصیت انسانی می‌شود. بنابراین علی‌رغم عوامل زیادی که در وقوع جرم و رفتار مجرمانه تأثیر دارد، رفتارهای ناپه‌نجار، ثمره تلخ نهالی است که ریشه‌اش در میان خانواده‌های بی‌ایمان و بی‌اعتقاد و لابالی و مادران و پدران بی‌توجه به دین و ارزش‌های اخلاقی رشد نموده است. اگر خانواده‌ها که سلول‌های یک جامعه هستند سالم باشند، از اجتماع این سلول‌ها پیکره‌ای سالم ایجاد می‌شود.

۳- تغذیه

یکی از عوامل شکل‌دهنده شخصیت انسان، غذاست. قرآن کریم به این حقیقت این‌گونه اشاره کرده است: «فلینظر الانسان الی طعامه^۱». نوع غذا و ویتامین‌ها و مواد غذایی که در مراحل جنینی و نوزادی و کودکی به کودک می‌رسد در چگونگی رشد کودک و فیزیولوژی مغزی و روانی او بسیار تأثیر دارد. اگر کودک دچار سوءتغذیه باشد یا غذای سالم به او نرسد رشد احشای داخلی او متوقف شده و بافت‌های اساسی جسم او دچار مشکلات جدی زیستی می‌شوند. جدا از این موارد، اگر به کودک غذایی حلال و طیب داده شود، در ساختن شخصیت اجتماعی و علمی و ... او به‌نوعی مؤثر است و اگر غذایی حرام بخورد به نوع دیگری در شخصیت او اثر می‌گذارد. در کلمات بزرگان دین ما به جای غذا به «لقمه» تعبیر شده است که بیانگر این نکته است که اثر هر غذایی با یک لقمه نیز منتقل می‌شود و اثر خود را بر جان و روح انسان منتقل می‌نماید. از آیات و روایات استفاده می‌شود که اگر بخواهیم فرزندان سالم و متدین و نرمالی داشته باشیم، ابتدا باید منبع اقتصادی نیازهای مالی زندگی حلال باشد. بنابراین باید از لقمه حرام پرهیز شود تا تعلیم و تربیت اثر بگذارد.

تأثیرات لقمه حرام بر انحراف کودک

عناوینی که در موضوع مبادی ورود لقمه حرام به زندگی بحث شد و سایر عناوینی که بحث نشد مانند دروغ گفتن در معامله، قسم خوردن دروغ برای کسب پول بیش‌تر و ... همه گناه و مالی که از آن طرق به دست آید حرام است. حال به این پرسش برمی‌خوریم که اگر کسی لقمه‌ای حرام خورد در آینده خود فرد یا فرزند او چه اثری دارد؟

این تأثیر برای ما محسوس و قابل اندازه‌گیری نیست اما در کلام بزرگان دین ما این تأثیر و تأثر آمده است. هر چیزی که قابل اندازه‌گیری یا محسوس نباشد دال بر آن نیست که وجود ندارد. ما هم چنان که روح (آن ساحت قدسی که خداوند در آیات ابتدایی سوره بقره در توصیف متقین از آن تعبیر به غیب فرموده است: الذین یؤمنون بالغیب ...) را نمی‌بینیم، به طریق اولی تأثیر لقمه حرام بر روح شخص را هم نمی‌بینیم. از این رو، وظیفه ادیان الهی، بیان همین امور باطنی است که در دسترس بشر نیست. به عنوان مثال غذا می‌تواند در شکل‌گیری رذایل اخلاقی همانند کینه و عداوت مؤثر باشد. در آیه ۹۱ سوره مائده خداوند درباره شراب و قمار می‌فرماید: «شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند». بی شک عداوت و بغضا دو حالت درونی و اخلاقی است. در روایات، لقمه حرام یکی از عوامل اصلی سقوط انسان مطرح شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ریشه اصلی سقوط، خوردن حرام، غفلت از انجام واجبات، سبک شمردن مستحبات و فرورفتن در ملامتی (کارهای لغو و بی‌فایده) است».

یکی از تأثیراتی که خوردن لقمه حرام می‌گذارد این است که زمینه ارتکاب گناه و انحراف را در افراد ایجاد می‌کند؛ البته کشف آن از محدوده علوم ظاهری بشر خارج است. باید تأکید کرد که خوردن لقمه حرام و بزهکاری لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، اما تأثیر قاطع حرام‌خواری بر انحراف (انحراف نطفه یا جنین یا کودک و شخص بزرگ‌سالی که از حرام ارتزاق شده) را بر اساس شواهد دینی و مصادیق اجتماعی نمی‌توان نادیده گرفت. در این زمینه مبانی دینی روشن و تحسین‌برانگیزی داریم. در فروع کافی آثار خوردن لقمه حرام بدین صورت آمده است: قساوت قلب؛ گمراهی فرزندان (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۶۳). پس دو اثر کلی برای حرام‌خواری ذکر شده که یکی مربوط به خورنده حرام و دیگری مربوط به فرزند اوست. کلی‌ترین اثر خوردن حرام این است که

قساوت قلب می‌آورد که البته به معنای خشن شدن آدمی نیست بلکه مقصود این است که در مقابل حق و حقیقت دیر پذیر می‌شود. خشونت‌طلبی یک معنای دیگری از قساوت است و البته این اثرش هم هست. انسان قسی‌القلب اجحاف به دیگران و حتی کشتن دیگران برایش راحت‌تر است.

مرحله قبل از تولد

غذایی که والدین به دست می‌آورند و استفاده می‌کنند علاوه بر تأثیر بر جسم و روح خودشان، از قبل از آمیزششان در جسم و روح کودک آینده‌شان تأثیر خود را می‌گذارد. پس ابتدا باید مرحله قبل از تولد را بررسی کرد. امام جواد (ع) درباره تأثیر مال حرام بر کودکی که هنوز به دنیا نیامده می‌فرمایند: هرگاه انسانی مالی از حرام به دست آورد نه حجبی از او پذیرفته می‌شود نه عماره‌ای و نه صلہ‌رحمی و به واسطه حرام در فرزندان و نطفه وی اثر زشت ظاهر می‌شود (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۹۱؛ مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۹۶: ۱۲۵؛ طوسی، ۱۳۸۸: ۶۸۰). اثر زشتی که در فرزندان ظاهر می‌شود مربوط به صورت فرزندان نیست، بلکه مربوط به اعمال و رفتار فرزندان است که به عمل زشت مبادرت خواهند کرد. اولین نقشه شیطان برای گمراهی آدم، دعوت به خوردن از درختی بود که از طرف خدا نهی شده بود. این لقمه حرام، باعث شد آدم و حوا از بهشت رانده شوند و به دنبال آن نمایان ساختن و نشان دادن عورت و زشتی اندامشان بود و از اثر همان حرام، ذریه او قابیل به انحراف کشیده شد. در متنی اخلاقی به زیبایی این مطلب بیان شده که: «از قصه پر غصه آدم که گندم بهشت خورد، حکایت قابیل که می‌گویند نطفه وجود او از آن گندم بسته بود، به عبرتی برگیر؛ خاصیت دو دانه گندم منهیّ مباح بهشت که آن باشد، خاصیت چرب و شیرین مهملات حرام و شبهه دار دنیا چه خواهد بود و بدان‌که تأثیر غذا در نطفه از قبیل تأثیر ساعت و حالت مرد و زن و اثر ترک ذکر حق در زمان جماع خواهد بود که به سر حدّ الجاء و اجبار نرسد و لهذا آن

شخص مکلف می‌باشد و تصحیح نیت و قوت تدبیر خود مناز و با قوت لایموت بساز که ضرر طعام دغدغه دار بدان از آن منفک نمی‌شود». تحقیقات علمی نشان داده است که اگر پدر یا مادر حین آمیزش مست باشند کودکی که نطفه‌اش بسته می‌گردد به علت کمبود ویتامین D دچار نرمی استخوان می‌شود. پس غذایی که پدر و مادر استفاده می‌کنند هم در روح جنین مؤثر است و هم در جسم او. هنوز حد علم به اینجا نرسیده که تأثیر مال حرام بر نطفه را در آزمایشگاه اثبات کند. لابراتوارها و دستگاه‌های آزمایش جهان متمدن می‌توانند مواد غذایی را از نظر عناصر طبیعی و تا مقداری از جهت خاصیت‌های شیمیایی، اندازه‌گیری کنند ولی آثار معنوی و اخلاقی غذاها یا اساساً برای همیشه قابل اندازه‌گیری در لابراتوار نیست یا لاقل وسایل امروز تاکنون موفق به این امر نشده‌اند (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۹).

مرحله جنینی

پس از بررسی تأثیر لقمه حرام در مرحله قبل از انعقاد نطفه، به تأثیر لقمه حرام در مرحله جنینی می‌رسیم. جنین حیات مستقل ندارد. درباره رعایت تغذیه قبل از تولد کودک و در دوران جنینی نیز بسیار تأکید شده است. قبل از تولد، تغذیه جنین در رحم مادر به‌وسیله جفت می‌باشد و هرچه غذای مادر باشد، عملاً غذای نوزاد هم هست و مضغه و علقه و عظام و ... جنین هم از غذایی که مادر می‌خورد قوام می‌یابد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الشقی من شقی فی بطن امه و السعید من سعد فی بطن امه؛ بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت شده و سعادت‌مند کسی است که در رحم مادرش سعید و خوشبخت شده است». از این رو مهم است که مادر در این دوران چه غذایی (حرام، حلال و یا شبه‌ناک) می‌خورد.

مرحله شیرخوارگی و کودکی

پس از مرحله جنینی به تأثیر تغذیه حرام در دوره کودکی می‌رسیم. کودکانی که با غذای حرام تغذیه می‌شوند و دوره کودکی را به همین صورت سپری می‌کنند، فطرت دینی خود را از دست می‌دهند و به هر خلافتی دست می‌زنند. دلیل بر این مطلب کلامی است از امام حسین (ع) در روز عاشورا. امام حسین (ع) در روز عاشورا بعد از ایراد سخنان پرمحتوا و خیرخواهانه‌اش در برابر لشکریان دشمن، هنگامی که ملاحظه کرد آن‌ها حاضر به سکوت و گوش فرادادن به سخنان وی نیستند فرمود: «وای بر شما! شما را چه شده است که سکوت نمی‌کنید تا گفتارم را بشنوید؛ درحالی که من شما را به راه هدایت می‌خواهم. هر که از من اطاعت کند، از راه‌یافتگان است و هر که با من دشمنی ورزد، هلاک می‌گردد، و همه شما از دستورم سرپیچی کردید و گفتارم را نشنیدید؛ چراکه شکم‌هایتان از حرام پر شده و مهر گمراهی بر قلب‌هایتان خورده است. وای بر شما! چرا سکوت نمی‌کنید؟ چرا توجه نمی‌کنید؟» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۵: ۸؛ متقی هندی، ۱۴۱۳هـ.ق، ج ۱۰: ۱۹).

کودکی که تا شش‌ماهگی باید فقط شیر بخورد، مهم است که این شیر از چه راهی درست شده است. علی (ع) در سخنی درباره اهمیت شیر در ساختن شخصیت کودک فرمودند: فردی صالح را برای شیر دادن برگزینید. و فرمودند: «بنگرید کدام زن نونهال شما را شیر می‌دهد، زیرا کودک با اخلاق او رشد می‌کند» (حر عاملی، ۱۳۸۷: باب ۷۸). هم‌چنین در حدیث آمده است که «إن الرضاع یغیر الطباع» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰۱: ۳۲۳). بهترین نمونه دایه‌ها، دایه‌ای بود که پیامبر (ص) داشت. مادر پیامبر (ص) شیر نداشت و پیامبر هم پستان هیچ زنی را به دهان نمی‌گرفت؛ تا این که تحقیق کردند و فهمیدند حلیمه سعدیه تنها کسی بود که در آن منطقه لیش به مشروبات الکلی آلوده نشده بود. شیر طبیعت کودک را دگرگون می‌سازد. وقتی شیر مادر از حرام درست شده

باشد طبیعت کودک را به بدی‌ها سوق می‌دهد. وقتی فونداسیون خراب باشد دیگر نمی‌توان روی اعتلای این ساختمان حساب باز کرد.

مولانا در مثنوی با تأثیرپذیری از متون دینی به زیبایی تأثیرگذاری لقمه حلال و حرام را به نظم کشیده است:

علم و حکمت زائد از لقمه حلال / عشق و رقت آید از لقمه حلال
چون ز لقمه تو حسد بینی و دام / جهل و غفلت زائد آن را دان حرام
هیچ گندم کاری و جو بر دهد؟ / دیده‌ای اسپیی که کره خر دهد؟

(مولوی، ۱۳۷۸، دفتر اول، بخش ۸۸)

اگر لقمه‌ای حرام در شکم مبدل به نطفه شد و آن نطفه تبدیل به بچه شود، زمینه‌های فساد در کودک ایجاد می‌شود و اگر تربیت فوق‌العاده‌ای درباره او به کار گرفته نشود، فاسد می‌شود. متأسفانه غالب جامعه ما نه‌تنها به این امر باور ندارد بلکه به آن اعتقاد هم ندارد. امام جواد (ع) می‌فرماید: «گذشت زمان، پرده‌ها را می‌درد و اسرار نهان را بر تو آشکار می‌کند» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۲۱۴). بسیار اتفاق می‌افتد که فرزند در رحم مادر دچار عوارض روانی و انحراف‌های معنوی می‌شود که علی‌الظاهر ناپیداست ولی مادر زمینه‌های آن را در فرزند فراهم نموده و پس از ولادت، گذشت زمان تدریجاً آن اسرار نهفته را آشکار می‌کند و استعدادها را جامعه فعلیت می‌بخشد (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۶). ما نمونه‌های فراوانی از انسان‌های خوش‌رفتار و یا بدرفتار در تاریخ داریم که خود و یا اطرافیان‌شان اعتراف کرده‌اند که ریشه کردارهایشان در شیر و مادر و نیز تغذیه‌های بعدی بوده است. به‌عنوان نمونه شیخ فضل‌الله نوری پسری داشت که بیش از بقیه اصرار داشت که پدرش را اعدام کنند. یکی از بزرگان گفته بود، من به زندان رفتم و علت را از شیخ فضل‌الله سؤال کردم. ایشان فرمود: خود من هم انتظارش را داشتم که پسر من چنین از کار درآید. چون شیخ شهید، اثر تعجب را در چهره آن مرد دید، اضافه کرد: این بچه در نجف متولد شد. در آن هنگام مادرش بیمار بود، لذا شیر نداشت. مجبور شدیم یک دایه شیرده برای او بگیریم. پس از مدتی که

آن زن به پسر شیر می‌داد، ناگهان متوجه شدیم که وی زن آلوده‌ای است، علاوه بر آن از دشمنان امیرالمؤمنین (ع) نیز بود و ناصبی هم بود ... کار این پسر به جایی رسید که در هنگام اعدام پدرش، کف می‌زد و پای کوبی می‌کرد. آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام کیانوری که رئیس حزب توده شد! سؤالی اینجا مطرح می‌شود که در شناخت بحث بی‌تأثیر نیست و آن این که اگر غذای حرام زمینه انحراف را فراهم می‌کند، چگونه آسیه زن فرعون و یا حضرت موسی (ع) که هنوز به نبوت نرسیده بود از غذای فرعون خوردند اما منحرف نشدند و سعادت‌مند شدند و حتی حضرت موسی (ع) به نبوت هم می‌رسد؟ از بررسی آیات قرآن کریم این نکته به دست می‌آید که تربیت حضرت موسی (ع) به عهده خود خداوند بود. در سوره قصص آیات ۱۲ تا ۱۴ خداوند به این موضوع پرداخته است که غذای حرام را بر موسی تجویز نمی‌کند: و حرمانا علیه المراضع من قبل ... ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم تا تنها به آغوش مادر بازگردد. خداوند شیر زنان آل فرعون بلکه شیر تمام زنان دیگر را بر او حرام گردانید تا او از مادری الهی و پاک شیر دریافت کند. بعد از این هم طبق ظاهر آیات، تحت تربیت آسیه (همسر فرعون) که زنی مؤمن و پاک‌دامن بود، قرار گرفت. می‌توان گفت امر تغذیه هم از مسیری پاک تأمین می‌شد؛ مانند این که شاید آسیه اموالی داشت که نیاز زندگی‌اش را مرتفع می‌نمود و از اموال فرعون بی‌نیاز بود. اگر هم از دستگاه فرعونی تغذیه می‌شد، دلیل نداریم که تمام اموال وی حرام بود؛ چراکه ممکن است حتی در بین اموال ستمگران، اموالی باشد که از راه زور و ستم اخذ نکرده باشند

(<http://javabsoal.parsiblog.com>)

بنابراین اثر تغذیه که از راه حرام به دست آمده است، ناخواسته در نسل انسان آشکار می‌شود. در نطفه‌ای که از مال حرام پدید می‌آید و جنینی که از راه حرام تغذیه می‌شود، مقتضیات شرعی ایجاد می‌گردد و زمینه انحراف را در کودک ایجاد می‌کند و ظرفیت‌های شرارت و بزهکاری بالقوه او را در معرض بالفعل شدن قرار می‌دهد. کسی که از راه نامشروع مالی جمع کند، در اثر تغذیه حرام، زمینه گمراهی را در فرزندانش آماده می‌کند و خودش هم نمی‌تواند به راه مستقیم هدایت شود.

نتیجه‌گیری:

دعوت خانواده‌ها به تلاش برای روزی حلال و آگاه‌سازی بیش‌ازپیش آنان از خطرات مال حرام، نوعی پیش‌گیری اجتماعی ریشه‌ای و زود هنگام محسوب می‌شود؛ چراکه بنیان کودک از گوشت و پوست و خون او از تغذیه حلال تکامل پیدا می‌کند. اگر این گوشت از راه حلال رشد کند طی مسیر تکامل و سعادت برای این کودک آسان‌تر است.

باید توجه داشت که تأثیر لقمه حرام در حد زمینه و شرط است نه علت تامه، لقمه حرام در مورد فرزند اثر وضعی دارد و ظرفیت‌های بالقوه او را در معرض بالفعل شدن قرار می‌دهد، اما نه به حدی که بااراده او قابل معارضه باشد، بلکه فقط در حد زمینه است، یعنی زمینه را برای برخی گرایش‌های ناروا در انسان و نسل او فراهم می‌کند، و این به معنای آن نیست که از او و فرزندانش سلب اختیار کند. در این باره سنت آگوستین معتقد است: «درواقع گناه چنان شر ارادی است که تا ارادی نباشد اصلاً گناه نیست.» (به نظر می‌رسد) آنچه به اعتقاد آگوستین در اصل گناه شمرده می‌شود حضور همین عنصر اراده است. (پورسینا، ۱۳۸۵: ۱۵۰). نکته دیگری که باید اشاره کرد این است که امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند: «معتاد را از عادتش برگرداندن به معجزه شبیه است» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۲۱۷). کسی که چهل سال حرام خورده، اصلاحش سخت‌تر از بچه سه‌ساله است و می‌توان کودک را حلال‌خوار تربیت کرد. راه راست و درست پیمودن کودک یا مرد چهل‌ساله با پیش‌زمینه‌ای که در گوشت و خون و روح او جریان دارد، کاری بسیار دشوار و سخت است؛ اگر نگوییم غیرممکن است. اصلی منطقی وجود دارد که اگر اصل نیکو شود، قدرت فرع را بد کردن اصل، ضعیف خواهد شد. برای کاهش آمار جرائم و انحرافات اجتماعی باید برنامه‌ای بلندمدت تدوین کرد. بند اول و دوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد .

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در تمام زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر». نهاد تعلیم و تربیت رسمی می‌تواند کاستی‌ها و نقایص نهادهای دیگر مؤثر بر کاهش میزان جرم به‌ویژه نهاد خانواده را جبران کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۷) . به‌عنوان مثال، دولت در راستای اجرای اصل سوم قانون اساسی به‌عنوان متولی امر، با مشورت با رجال اخلاقی و دینی و اصحاب دانشگاهی؛ توسط یکی از سازمان‌های تابعه خودش به‌وسیله نهاد صداوسیما و مطبوعات حقیقی و مجازی، به شرح این موضوعات برای عموم مردم بپردازد که واقعیت حرام چه چیزی است؛ در دنیای امروزی مصادیق لقمه حرام چیست (مثلاً حق کپی‌رایت) ، آثار لقمه حرام بر فرد و نسل او و خانواده و جامعه چیست؛ و چگونگی رهایی مردم از درآمد‌های حرام را شرح و تبیین کند. بی‌تردید بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی و سبک زندگی اسلامی و دوری از اموال حرام در زندگی، به‌مرورزمان آثار خود را در نسل کنونی و بعدی در خانواده‌ها و به‌طریق‌اولی در جامعه آشکار خواهد کرد و شاهد جامعه-ای با درصد وقوع جرائمی پایین‌تر از حال حاضر خواهیم بود. باید به این موضوع توجه داشت که اقدامات پیشگیرانه اگر نتواند جرم را محو و ریشه‌کن کند می‌بایست از شدت آثار و زیان‌های مالی و روحی آن بکاهد. درست مانند یک کار فرهنگی است که اگر ریشه مثلاً بدحجابی را نخشکاند حداقل از نمود آن در جامعه کم می‌کند.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۱، جرم‌شناسی پیش‌گیری، چاپ دوم تهران، نشر میزان.
۳. ابن‌بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۳۶۷، *من لا یحضره الفقیه*، محمدجواد غفاری، تهران، صدوق.
۴. امام رضا، علی ابن موسی (ع)، ۱۴۰۶ هـ ق، *فقه الرضا*، مشهد، انتشارات کنگره جهانی امام رضا (ع)، و نرم‌افزار جامع فقه اهل‌البیت نور.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۳۷، *ترجمه نهج الفصاحه رسول اکرم (ص)*، تهران، اسلامیه.
۶. پورسینا، زهرا (میترا)، ۱۳۸۵، *تأثیر گناه بر معرفت با تکیه بر آرای آگوستین قدیس*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. جواب سؤالات دینی (روی خط اینترنت)، قابل دسترسی در :
<http://javabsoal.parsiblog.com/Category> .
۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۰، *نهاد تعلیم و تربیت و جرم‌ها*، مروری بر دیدگاه‌ها و نظریات، فصلنامه پژوهشی حقوقی دانشگاه قم، دانشکده حقوق، سال سوم شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۷
۹. الحاکم النیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ هـ ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه
۱۰. حر عاملی، محمد ابن حسین، ۱۳۸۷، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، نشر اسلامیه.

۱۱. حلی، احمدابن فهد، ۱۳۷۵، *عده الداعی*، حسین غفاری، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۱۲. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۸۸، *گناهان کبیره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ دوم، قم، نسیم حیات
۱۴. دهخدا، علی اکبر و همکاران، ۱۳۷۳، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران
۱۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۵ ه. ق، *تفسیر الدر المنثور*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه
۱۶. الصدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن موسی ابن بابویه، ۱۳۴۹، *امالی*، آیه الله شیخ محمدباقر کمره ای، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة
۱۷. طوسی، محمد ابن حسن، ۱۳۸۸، *امالی*، صادق حسن زاده، قم، نشر اندیشه هادی.
۱۸. عبقری، آدینه، ۱۳۸۰، *پیشگیری از جرائم کودکان*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۲ ه. ق، *تفسیر نورالثقلین*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۱. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، نشر معارف اسلامی.
۲۲. فولادوند، محمدمهدی، ۱۳۸۴، *ترجمه قرآن کریم*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دارالقرآن کریم.

۲۳. قاسمی، محمدعلی، ۱۳۹۱، *روزی حلال تأثیر مال و لقمه حلال و حرام بر سرنوشت انسان*، قم، نورالزهرا (س).
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۸۷، *نگاهی به فقر از منظر جرم‌شناسی*، مجله نامه مفید ۱۳۷۸، شماره ۱۷.
۲۶. قمی، عباس، ۱۳۸۷، *تمه المنتهی فی تاریخ الخلفاء*، ناصر باقری بیدهندی، قم، نشر دلیل‌ما.
۲۷. کیوانی، اصغر، ۱۳۸۸، *بررسی عوامل وقوع جرم و راهکارهای عملی پیشگیری از وقوع آن* (روی خط اینترنت) قابل دسترسی در:
<http://amniat-e-omoomi.com/Avamel%20voghoo%20jorm.htm>
۲۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۸۸، *فروع کافی*، محمدحسین رحیمیان، قم، نشر قدس.
۳۰. متقی‌هندی، علی، ۱۴۱۳ هـ.ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۱. مجلسی، محمدباقر ابن محمدتقی، ۱۳۸۷، *بحارالانوار*، چاپ هفتم، تهران، نشر اسلامیه.
۳۲. محمدی اصل، عباس، ۱۳۸۵، *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۸، *میزان الحکمه*، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث.
۳۴. مراغی، احمدمصطفی، ۱۳۶۵ هـ.ق، *تفسیر مراغی*، قاهره، مکتبه‌المصطفی.